



بیانیه و فراخوان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در مقابله با تشدید سرکوب و اعدام زندانیان سیاسی

روز خود شده است و صدور احکام زندان و شلاق و بیگاری برای 42 تن از کارگران آذربایجان، و اعلام علنی مسئولین قوه قضائیه مبنی بر سرکوب بیرحمانه اعتراضات مشابه آبان 98 پیش درآمد اجرای سیاست تشدید سرکوبگریهای رژیم جمهوری اسلامی است که ما پیش از این در این باره هشدار داده بودیم و اکنون این واقعیت مسلم بر همگان آشکار شده است ..
ادامه در صفحه ۵

در باغ سبز " یک دنیای بهتر " !

جنگ طبقاتی مشخصه اصلی تمامی دوره های تاریخی بوده ، نبردی همواره نابرابر که در یک سو استثمار کنندگان و غارتگران با تمامی امکانات و ابزارها قرار داشته اند و سوی دیگر استثمار شوندهگان که تنها به نیروی اراده و اتحاد خود متکی بوده اند . در عصر حاضر این جدال دائمی کار و سرمایه است که در تمامی مناسبات اجتماعی نمود دارد جدالی همچنان نابرابر که همه عرصه های زندگی را در بر میگیرد ، در این جدال نابرابر کمونیستها به عنوان پیش قراولان اردوی کار به عنوان تنها نیروی بالقوه و بالفعل در آگاهی بخشی و سازماندهی طبقه کارگر همواره آماج توطئه ها و تهاجمات بورژوازی قرار داشته و دارند و فقط آگاهی و درایت و در عین حال جانفشانی کمونیستها در هر دوره ای توانسته این تلاشها را خنثی کند .
ادامه در صفحه ۶

اطلاعیه مشترک شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست علیه حکم اعدام و رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بایستیم!

صفحه ۱۲

چهارنعل تاختن جمهوری اسلامی بدنبال ترکیه و عربستان سعودی در امریکای جنوبی.

صفحه ۹

وضعیت اقتصادی فعلی طبقه کارگر در ایران

صفحه ۱۳

درباره " تفاهمنامه ۲۵ ساله ایران و چین " و نگرانی ناسیونالیستها و رژیم چنج های وطنی

با علنی شدن مفاد "تفاهم نامه 25 ساله ایران و چین" سروصدای نیروهای اپوزیسیون پروغربی و طرفداران رژیم چنج درآمده است. از سلطنت طلبان گرفته تا ملیون از نحله های فکری و طبقاتی مختلف، با "مایک پمپئو" هم آواز شده اند که ای هالاناس "قرارداد ترکمنچای" دارد تکرار میشود و این بار چین "کمونیست" قصد دارد ایران بزرگ آریائی را ببلعد! اینها گوئی تاکنون در کره مریخ زندگی میکردند و هیچ اطلاعی از روند کشمکشهای سیاسی، نظامی و اقتصادی کشورهای قدرتمند جهان در منطقه و در ایران نداشتند و یک باره صبح بیدار شده اند و دیده اند " ایران قراردادی با چین بسته است که "بدتر از قرارداد ترکمنچای" است. به زعم آنها جمهوری اسلامی با بستن این قرارداد "استقلال ملی" نداشته ایران را نقض و آنرا به مستعمره چین تبدیل کرده است. این کار جمهوری اسلامی خون ناسیونالیستی و وطن پرستی و ایضا ضد "کمونیستی" آنها را به جوش آورده است تا جائیکه علاوه بر محکومیت قرارداد، فراخوان بسیج نیرو! برای مقابله با آنرا نیز داده اند.

اما ایا وطن پرستی این جماعت ناسیونالیست در جبهه راست و چپ اپوزیسیون و مخالفت و محکوم کردن "قرارداد بدتر از ترکمنچای" با نیت حفظ "استقلال اقتصادی و سیاسی وطن" و از راه دلسوزی برای توده های تحت ستم و استثمار و گرفتار در چنگ جمهوری جهل و جنایت اسلامی است، یا هدف دیگری را دنبال میکنند .
ادامه در صفحه ۲

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی !

درباره " تفاهمنامه 25 ساله ایران و چین " و نگرانی ناسیونالیست‌ها ورژیم چنج های وطنی

ادامه از صفحه یکم

...

سابقه تفاهمنامه

اولا آنچه که منتشر شده است فعلا طرح مصوب جمهوری اسلامی برای توافق 25 ساله باچین است و آنها نه بصورت رسمی که معمولا از طرف سخنگوی دولت اعلام و بعد مفاد آن منتشر میشود . بلکه نوعی این طرح به بیرون درز پیدا کرده و یا درز داده شده است. چون سران جمهوری اسلامی در دسیسه چینی و عوامفری و عدم شفافیت استاندند. پس فعلا تا اطلاع ثانوی قرارداد رسمی توافق شده و امضاء شده بین دوکشور موجود نیست ویا علنی نشده است. کسی که بخاطر منفعت سیاسی خود میخواهد چنین الفاء کند، در دروغگوئی و عوامفریبی با رهبران جمهوری اسلامی تفاوت چندانی ندارد و نمیخواهد با مردم شفاف حرف بزند و حقیقت را بگوید و سپس درباره آن موضع بگیرد .

نگاهی به کشمکشهای کشورهای امپریالیستی در منطقه و در این چهارچوب روابط بین چین و جمهوری اسلامی نشان میدهد که این طرح که اکنون کلیات آن به بیرون درز کرده است نه امری فی البداهه بلکه مسبوق به سابقه است.

تشدید تدریجی تضاد چین با شرکت ها و محافل مالی و سرمایه گزاران امپریالیستی، دولت آمریکا را وادار کرد تا با ایجاد محدودیت ها و تحریمهای مختلف به سیاست اقتصادی چین مهار بزند ، این سیاست آمریکا چین را که با مازاد تولید مواجه است مجبور کرد برای یافتن بازارهای جدید برای مازاد تولید شرکت های عظیم خود، ابتکار " کمر بند و راه " را بمنظور گسترش بازار کالاهای چینی و تشویق شرکتهای و دولت های کشورهای مختلف برای گرفتن وام و توسعه زیر ساخت ها و رونق تجارت و کسب وکار، - صد البته با درالویت

قراردادن شرکت های چینی - در دستور بگذارد.

در چهارچوب این سیاست راهبردی چین بود که در جریان سفر شی جینگ، رئیس جمهور چین به ایران در سال 94- زمانیکه حضرات ناسیونالیست و "وطنپرست" در خواب بودند. واز روئایای سهمیم شدن در قدرت بوسیله تشدید تحریمهای آمریکا و به گرسنگی کشاندن توده زحمتکش مردم و یا در نتیجه حمله نظامی و جنگ وکشار، نشئه بودند، 17 سند همکاری و تفاهمنامه تحت عنوان "مشارکت جامع راهبردی جمهوری اسلامی و جمهوری خلق چین" باچشم انداز رسیدن به توافقات جامع و عملی، به امضاء رسید. آنچه که بصورت غیررسمی به بیرون درز کرده است یکسری کلیات است بر مبنای این توافقات اولیه که از جزئیات آن هنوز خبری در دست نیست وبنظر میرسد این سند بیشتر آمال وخواسته های جمهوری اسلامی را مطرح میکند. اینکه دولت چین به پای چنین توافقی برود، حرف و حدیث بسیار است . فعلا جمهوری اسلامی بادرز دادن به بیرون این طرح وبا دروغ بافی و عدم شفافیت مشغول دریافت عکس العمل افکار عمومی ایران و دولتهای غربی، بویژه آمریکا است.

در همین رابطه عباس موسوی میگوید: "این سند موضوع جدیدی نیست و در سفر رئیس جمهور خلق چین به تهران در سال ۱۳۹۴ توافق شد که دو کشور در راستای گسترش همکاری های جامع این سند را به امضا برسانند." این در زمانی بود که جمهوری اسلامی هنوز تحت تحریمهای آمریکا بود و در رویکرد به چین کم کردن فشار تحریمهای آمریکا و اروپا را مد نظر داشت. اما وقتی توافق برجام پیش آمد، جمهوری اسلامی با دست و دلبازی مشغول بستن قراردادهای متعدد با شرکتهای غربی شد و صدائی هم از ناسیونالیست های وطن

پرست ما بر نیامد ، عملا مذاکرات مربوط به گسترش همکاری با چین به پستوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی رانده شد. اما با سرکار آمدن ترامپ و خارج شدن آمریکا از برجام و اعمال تحریمهای شدید اقتصادی و مالی و ناتوانی اتحادیه اروپا در کسب رضایت آمریکا برای ادامه کار کمپانیهای غربی در ایران و خروج پی در پی آنها از ایران ، تشدید بحران اقتصادی ، اعتصابات کارگری و خیزشهای اجتماعی و ناتوانی رژیم در حل معضلات متعدد دیگر، این بار فیل رهبران جمهوری اسلامی یاد هندوستان کرد و در سال 97 هیئتی مرکب از علی لاریجانی ، محمد جواد ظریف ، بیژن نامدار زنگنه و رئیس کل بانک مرکزی برای مذاکره راهی چین شدند. در پی این مذاکرات، پیش نویس نهائی این تفاهمنامه در اول تیر ماه در نشست دولت تصویب و به وزارت خارجه ماموریت داده شد تا بامذاکره با طرف چینی شرایط توافق روی متن مورد قبول دوطرف را تهیه نمایند و بعد از طی این روند بود که متنی تحت عنوان "ویرایش نهائی برنامه همکاری جامع 25 ساله ایران و چین" در شبکه های مجازی پخش شد. در عین حال نباید فراموش کرد که سروصدای رژیم سرکوبگر حاکم بر ایران درباره این تفاهم نامه نیز جنبه هشدار به دولت آمریکا و اتحادیه اروپا را دارد که اگر بیش از این فشار بیآورند بطور جدی به طرح راه ابریشم چین خواهند پیوست.

در واقع امر طرح "تفاهم نامه ... " منتشر شده در چهارچوب "ابتکار کمر بند راه " چین تنظیم شده است که در سال 92 از سوی رئیس جمهور چین بمنظور بازسازی جاده ابریشم برای گسترش موقعیت چین در ساختار اقتصادی و سیاسی جهان طراحی شده است و نزدیک به 65 کشور از قاره های آسیا، اروپا و آفریقا به آن پیوسته اند .

درباره " تفاهمنامه ۲۵ ساله ایران و چین " و نگرانی ناسیونالیست‌ها ورژیم چنج های وطنی

طبق متن منتشر شده، "کریدورهای جنوب-شمال و جنوب-غرب" ایران بخشی از این "کمر بند اقتصادی راه ابریشم" خواهد بود. برخلاف تصور ناسیونالیست‌ها و وطن پرست‌های قلابی ایرانی، جمهوری اسلامی در کشمکش بین امپریالیست‌های غربی و شرقی همواره روبه غرب داشته و بواسطه وابستگی دیرینه اقتصاد و سیاست ایران به غرب و جایگاه رفیع مذهب و آخوندهای شیعه نزد طراحان سیاست های امپریالیست‌ها، همواره نافشان به غرب وابسته و دلشان به کرامات آنها خوش بوده است و امروز در ناتوانی در ایجاد و حفظ رابطه با غرب است که به سمت شرق روی آورده اند. همانطور که گفته شد، قبل از توافق برجام تحت تاثیر تحریم‌های اقتصادی آمریکا بناگزیبر مدتی روابط تجاری خود را با چین گسترش دادند و بعد از توافق برجام هرچه بیشتر به بازگشت سرمایه گذاری های خارجی از اروپا و آمریکا دل خوش کردند و در فاصله اندکی ده ها قرارداد با شرکتهای غربی منعقد نمودند و کلا طرح گسترش رابطه در ابعاد "تفاهمنامه ..." با چین به محاق رفت. اما با روی کار آمدن ترامپ و خروج آمریکا از برجام و تشدید محاصره اقتصادی و تعمیق بحران اقتصادی و فساد گسترده در دستگاه دولتی و از سوی دیگر خیزشهای میلیونی توده ای، که اصل رژیم ارتجاعی و مافیای قدرت و ثروت را با خطر انهدام مواجه نموده است، رژیم را به فعال کردن طرح توافقات قبلی با چین کشاند. سید محمد حسین ملائک، سفیر اسبق ایران در چین، میگوید " دولت متأسفانه چون احساس کرد گشایش‌های زیادی از برجام به دست می‌آورد، به این پیشنهاد توجه نکرد، اما وقتی محدودیت‌های بین‌المللی [پس از خروج آمریکا از برجام] مجدداً

شروع شد، دولت جمهوری اسلامی... دوباره به سراغ این توافق رفت." (فرهیختگان، ۵ تیرماه ۱۳۹۹)
تردید نیست که تشدید تضاد چین با ایالات متحده و متحدان اش نیز در تسریع این روند موثر بوده است. هر شاگرد ابتدائی مدرسه سیاست نیز میداند که در این عصر دوران تلاش کشورهای امپریالیستی برای تجدید تقسیم مناطق نفوذ و کنارزدن رقیب، عامل مهم تحولات و کشمکش‌های قرن بیست و یکم بویژه در کشورهای منطقه ما محسوب میشود و تفاهمنامه بین جمهوری اسلامی و دولت چین نیز از این چهارچوب مستثنی نمیشود. اینکه تشدید این تضاد ها به کدام نتیجه نهائی برسد، قابل پیشبینی دقیق نیست. اما با این حال رژیم چنجی های ما نباید بیش از حد نگران باشند چرا که در شرایط توازن قوای فعلی در منطقه و جهان به مرحله امضاء و اجراد آمدن این تفاهمنامه با موانع متعددی مواجه خواهد بود.
شکی نیست که گسترش روابط اقتصادی با ایران بدلائل مختلفی برای چین مهم است اما نباید فراموش کرد که چین در رابطه با آمریکا دارای منافع کلان و استراتژیک میباشد و تقابل فعلی با آمریکا ممکن است سرانجام با توافقاتی میان طرفین پایان یابد.
در شرایطی که در نتیجه تحریم‌های آمریکا سطح مبادلات تجاری چین با ایران بسیار پائین آمده و بانکهای چینی حاضر به همکاری با ایران نیستند، مبادلات چین با آمریکا بیش از 700 میلیارد دلار در سال است. سهامداران بسیاری از شرکت های غول پیکر چینی سرمایه داران و شرکت های آمریکائی هستند و بانک داران و سهامداران چینی در بازار آمریکا فعال اند... حال چگونه میتوان بدون مواجهه با تحریم‌های سنگین آمریکا به مرادوات تجاری با ایران در حد سرمایه گذاری 400 میلیارد دلاری جامه عمل پوشاند؟
علاوه بر آن ساختار معیوب اقتصادی ایران ، بحران شدید و فساد و رشوه خواری گسترده ، پولشویی و تسلط مافیای رنگارنگ بر شاهرگهای اقتصادی کشور، آشفستگی

در امور سیاسی و از همه مهمتر اعتراضات گسترده اجتماعی و نامشروع بودن حاکمیت در میان توده های مردم... همه اینها امکان تحقق سرمایه گذاری کلان با تضمین بازگشت سود برای سرمایه گذاری های بزرگ خارجی را با مشکلات و موانع لاینحلی مواجه میسازد. این موانع و محدودیت ها کشورهای اتحادیه اروپا را هم شامل میشود. کما اینکه بنا به گفته سفیر جمهوری اسلامی در چین، "چنین سرمایه گذاریهای کلانی ابتدا به اروپائیا پیشنهاد شده بود اما آنها زیر بار نرفته اند".
در شرایط کنونی که ایران در منطقه به مشکلی برای کشورهای بزرگ اروپا آمریکا و قدرتهای منطقه تبدیل شده است اشغال جایگاه "مسیر ارتباطی شرقی و غربی" در طرح راه ابریشم توسط ایران با مخالفت شدید کشورهای منطقه مواجه خواهد شد و طبیعتاً چین نیز حاضر به بهم خوردن رابطه اش با کشورهای منطقه، نظیر عربستان سعودی که در طرح راه ابریشم مشارکت دارند، نخواهد بود.
بنابراین نگرانی رژیم چنجیهای وطنی و ناسیونالیست‌های وطن پرست حداقل تا وقتی که تضادهای بین آمریکا و چین به نقطه درگیری نرسیده است، بی ربط است و چین با حفظ وضع موجود تاجائی به سرمایه گذاری در ایران رضایت خواهد داد که تعادل موجود و توازن قوا ممکن میسازد.
پس آنچه که نگرانی وطن پرست های دوآتشه و رژیم چنجی های وطنی را دامن زده است و آنها را آشفته نموده است نه



به کانال تلگرام ما بپیوندید

@fedayi1349

آخرین اخبار و گزارشات
مقالات . اطلاعات ها و
نشریات سازمان اتحاد
فداییان کمونیست را از
کانال فدائی در تلگرام
دریافت کنید .

<https://t.me/fedayi1349>

درباره " تفاهمنامه ۲۵ ساله ایران و چین " و نگرانی ناسیونالیستها ورژیم چنج های وطنی

بستن "قرارداد ننگین" جمهوری اسلامی باچین، بلکه نگرانی آنها از تغییر توازن قوا و در چشم انداز نبودن برنامه رژیم چنج و حمله نظامی آمریکا و نشان دادن اینها بجای جمهوری اسلامی است. چنانچه ننگین تر از این قرارداد اگر با آمریکا بسته شود، مشکلی ندارند. انگاری که این آمریکا و غرب نبودند که ده ها سال ایران را ملک طلق خود میپنداشتند و تا جایی که اعلیحضرت بزرگ ارتشتاران اش بدون اجازه سفیران آنها آب هم نمیتوانست بخورد و در این مناسبات قراردادهای اسارتباری را تحمیل کردند که جز فقر و بدبختی برای نود درصد مردم و بهشت برین برای اقلیتی ناچیز از وابستگان بخود، ثمره دیگری برجای نگذاشتند. آخسرهم با تحمیل حکومتی مذهبی و ارتجائی جنبش انقلابی و قیام توده ای بهمین برای آزادی و برابری را با شکست مواجه کردند تا کارناتمام رژیم شاهنشاهی در سرکوب نیروهای چپ ،کمونیست و آزادیخواه جامعه را بدست مذهبپون مرتج تمام کنند. اینها نه دلشان به وطن ومیلیونها کارگرو زحمتکشی که زیرستم واستثمار وسرکوبگریهای سرمایه داران حاکم و دولت مذهبی شان بسته آمده اند ، میسوزد ونه نگران از دست رفتن "وطن" هستند.

سخن آخر، این واقعیت را نباید فراموش کرد که همه کشورهای جهان دارای مرادوات اقتصادی ،سیاسی وفرهنگی وغیره باهم هستند وهیچ کشوری نه میخواهد ونه میتواند از دایره این مناسبات برکنار باشد. در نظام سرمایه وسود، رقابت بین سرمایه داران و امپریالیستها برای بدست آوردن بازار ،نیروی کار ارزان ومنابع موادمخام به جنگهای ویرانگری منجر شده است که میلیونها نفر از زحمتکشان قربانی شده اند. لاجرم روشن

است که این کشورها در بستن قراردادها و معاهدات اقتصادی وسیاسی ونظامی با کشورهای دیگر منافع خود را دنبال میکنند و بقول معروف "گربه برای رضای خدا موش نمیگیرد" و در این میدان رقابت چه غرب باشد چه شرق و چه آمریکا باشد و چه چین ویا اروپا ،نسبت به وضعیت اقتصادی واجتماعی وسیاسی هرکشوری تاجائی که تیغ شان ببرد خواست های خود را تحمیل خواهند کرد.

جمهوری اسلامی با ماهیت ضد مردمی خود و باچهل سال سرکوب وفریب ودروغ، مسلما نمیتواند در مرادوات ومعاملات خارجی، همچون تفاهمنامه اخیر باچین منافع مردم را نمایندگی کند. در شرایطی که سیاست های ویرانگر رژیم و مافیای قدرت وثروت ودزد وغارتگر حاکم، جامعه را با بحراناها و بن بست های لاینحلی مواجه کرده است و بیکاری ،گرانی وبی مسکنی بیداد میکند وتوده های کارگر وزحمتکش بسته آمده و به اعتراض برخاسته اند و خطر خیزشهای مردمی وسرنگونی و فروپاشی رژیم در چشم انداز مبارزات کارگران وزحمتکشان قرار گرفته است رژیم در جستجوی راه مفری برای ادامه حیات خود است و روشن است رژیمی که این چنین ابتدائی ترین حقوق مردم را پایمال میکند و فساد ودزدی واختلاس سرتاپایش را دربر گرفته است، برای بقای ننگین خود به هر قرارداد خفت باری تن میدهد. از این رو مسلم است که قراردادهای منعقد شده با این رژیم مشروعیت لازمه رانداشته ومیبايد

در فرادای سرنگونی رژیم مورد بازبینی وتجدید نظر توده های مردم قرار گیرند. ومهمتر اینکه کارگران وزحمتکشان وبویژه عناصر وگروه های پیشرو جامعه به تجربه میداند که مبارزه علیه امپریالیسم در هر شکل ولون آن و یا هر قرارداد اسارتباری، جدا از مبارزه بر علیه سرمایه داری نیست که امروز با توسل به مذهب و فریب وسرکوب دمار از روزگار اکثریت توده های مردم در آورده است. خارج از تبلیغات واقدامات عوامفریبانه رژیم

وامپریالیستها و طرفدارانشان، راهی جز متحد شدن و تشدید مبارزه به اشکال مختلف بمنظور یکسره کردن کار رژیم سرمایه داری ومذهبی حاکم برکشور و گرفتن سرنوشت خود بدستان خویش، وجود ندارد.

29 تیرماه 99

نشریه راه سرخ ارگان فعالین داخل کشور سازمان اتحاد فدائیان کمونیست . راه سرخ صدای کارگران وزحمتکشان و تمامی کسانی است که به مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و نفی هرگونه استثمار و کارمزدی باور داشته و در این راه از هیچ چیز دریغ نمی نمایند. از طریق ایمیل ادرس :

Rah_sorkh@yahoo.com

نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را با دست اندرکاران نشریه در میان بگذارید .

کارگران سراسر جهان متحد شوید!

راه سرخ

زنده باد سوسیالیسم!

مجموعه شماره ۲ / تیرماه ۱۳۹۹

کتاب

مسئله آزادی

تاریخ و اندام

سیر دیگر گونه ای در هر عصری

کرونا نعمت است!

مجلس نشر شد!

بقا به هر قیمتی شعار جمهوری اسلامی

مترنگون باد جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری فدراتیو شوراسی!

ادامه از صفحه اول

... مطلعید که در آبان سال ۹۸ خیزش عظیم توده های محروم و جان به لب رسیده، جوانان بیکار، کارگران معترض حقوق های عقب افتاده، حاشیه نشینان بی شغل و بی سرپناه و معترضین به دزدی و اختلاسهای میلیاردی و ایستگان بقدرت، با سرکوب و کشتار ددمنشانه رژیم مواجه شد. اما این کشتار و سرکوب نتوانست سکوت قبرستانی را بر جامعه حاکم کند و اعتراضات همچنان ادامه یافت. شیوع ویروس کرونا هر چند در تداوم اعتصابات و اعتراضات وقفه کوتاهی ایجاد نمود، اما اقدامات نابخردانه رژیم و ناتوانی آن در مقابله با تبعات شیوع گسترده کرونا از یکسو و نبود تامین اجتماعی و امکانات مالی مکفی و ناگزیری تلاش برای امرار معاش، خسارات جانی و مالی سنگینی را بر توده های زحمتکش مردم تحمیل کرده و آنها را تحت فشار اقتصادی و خسارات جانی و مالی بیشتری قرارداد. در چنین شرایطی رژیم ناتوان از تامین حداقل معیشت مردم، از یکسو قرنطینه هارا برداشته و امور را بحال خود رها نموده است. و از طرف دیگر در هراس از گسترش اعتراضات توده ای، سیاست سرکوب و ایجاد جو رعب و وحشت در جامعه را تشدید کرده است. و تابه امروز نه تنها از تعداد جانباختگان و زندانیان و سربیه نیست شدگان اعتراضات آبانماه آمار رسمی ارائه نداده است، بلکه علاوه بر اقدامهای مخفیانه و کشتارهای زیر شکنجه در زندانها، اکنون علنا شروع به

بیانیه و فراخوان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در مقابله با تشدید سرکوب و اعدام زندانیان سیاسی

اقدامات جدی بعمل آورند و افکار عمومی کشور خود را از آنچه که در ایران برسر طبقه کارگر، آزادیخواهان و مخالفین حکومت میاید، مطلع ساخته و اعتراضات آنها را نسبت به اقدامات سرکوبگرانه رژیم ایران برانگیزانند. ما همچنین فدائیان کمونیست در داخل کشور و همه فدائیان را که به آرمانهای سوسیالیستی و آزادیخواهانه و انقلابی پایبندند فرامیخوانیم تا از طریق گفتگو و پخش شبنامه ها و تراکت ها در محل کار و زیست، به آگاهی و بسیج افکار عمومی در اعتراض به وضعیت موجود، یاری رسانند و بدون شک با مبارزه ای متحد در داخل و خارج کشور میتوان به ادامه سیاست سرکوبگرانه و ددمنشانه رژیم مهار زد. ما از تمامی فراخوانهای اعتراضی جریانات و انسانهای آزادیخواه و انقلابی حمایت میکنیم و ضروریست هر جا که هستیم در این اعتراضات شرکت نموده و سهم خود را در حمایت از زندانیان سیاسی و فعالین جنبشهای اجتماعی ادا کنیم.

شورای مرکزی

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

هفتم تیرماه ۱۳۹۹

صدور احکام اعدام و زندانهای طویل المدت درباره آنها نموده است. و همزمان بیدادگاه های رژیم فعالین کارگری و معترضین به حقوقهای عقب افتاده را به زندان و شلاق و سایر احکام قرون وسطائی محکوم میکنند. و علنا اعلام میکنند که هر اقدام اعتراضی را بشدت سرکوب خواهند کرد. ما اطلاعات موثقی داریم که رژیم علاوه بر کشتارهای مخفیانه تاکنونی، صدور احکام اعدامها و زندانهای طویل المدت بسیاری را در دستور دارد. با تمام توان باید در سطح داخلی و بین المللی درباره اقدامات وحشیانه و انسان ستیزانه رژیم به افشاگری و مقابله پرداخت. ما از احزاب، سازمانها و تشکلهای کارگری، از سازمانها و محافل مدافع آزادیهای سیاسی و مخالف اعدام و زندان و شکنجه، جدا میخوانیم نسبت به اقدامات سرکوبگرانه و کشتار مخالفین در ایران اعتراض کنند. کمیته روابط بین المللی سازمان باید احزاب و سازمانها مترقی و انقلابی و تشکلهای کارگری و متحدین بین المللی خود را در جریان این سرکوبگریها قرارداد و از آنها بخواهد در این زمینه

ایران به یک تحول اساسی در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیازمند است که تنها از طریق یک انقلاب اجتماعی بر علیه سیادت سیاسی و اقتصادی اقلیت محدود جامعه ممکن و قابل تحقق است.

اولین گام در این راه، سرنگونی جمهوری اسلامی، انهدام ماشین دولتی و دستگاههای مقتدر اداری و نظامی بورژوازی و برقراری نظامی فدراتیو و شورانیست که در آن اکثریت مردم از فرهنگها و ملیتهای مختلف برای اولین بار به دخالت در زندگانی خود می پردازند و برای ساختن آگاهانه جامعه ای که در آن از استثمار انسان بوسیله انسان، از تبعیض جنسی و نژادی، از سرکوب زندان، شکنجه، اعدام و از بیکاری، بی مسکنی، فقر و تبعیض جنسی، از انهدام محیط زیست و... خبری نباشد، اقدام می کنند.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، و از گونی جمهوری اسلامی بمنابه برجسته ترین تکیه گاه نظام سرمایه داری حاکم بر ایران و سرسخت ترین دشمن آزادی طبقه کارگر و جایگزینی آن توسط جمهوری فدراتیو شورایی را وظیفه عاجل خود می داند.

درهنگامه فساد و تباهی و آشفته‌گی رژیم انفجارات پی در پی اخیر در مراکز حساس، چه معنایی دارد.



نظام سرمایه داری در ایران، زیر سلطه دیکتاتوری، اختناق، تبعیض، زندان و جوخه های اعدام تکامل یافته است. بورژوازی ایران که زیر حکومت متمرکز و سرکوبگرانه شاه، از هر گونه تشکل های کارگری، توده ای و حضور احزاب و جریانات مترقی جلوگیری کرده بود، خود زمینه ساز حاکمیت جمهوری اسلامی و سیاه ترین استبداد دینی بر مقدرات مردم گردید.

با شکست انقلاب توده ای ۱۳۵۷ و با روی کار آمدن جمهوری اسلامی، یکی از ارتجاعی ترین روینای سیاسی نظام سرمایه داری در تملیق با مذهب، حاکم به مقدرات مردم گردید. رژیم جمهوری اسلامی از همان اول آشکارا با آزادی، مدنیت و دموکراسی به دشمنی برخاست و نزدیک به بیست سال سیاست، سرکوب، زندان، شکنجه، اعدام و نفی ابتدایی ترین حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی، تبعیض و آپارتاید جنسی را برنامه خود کرد.

در ایران اقلیتی محدود از جامعه، یعنی سرمایه داران با فراغ بال به تشدید استثمار، احتکار، زدوبند با مقامات دولتی و اختلاس به ثروت خود افزودند. از سوی دیگر اکثریت عظیم مردم در محرومیت بسر برده و خواست آنها برای آزادی و عدالت اجتماعی و برابری با سرکوب نیروهای دولتی مواجه شده است.

تسلط بلامنازع طبقه سرمایه دار بر تمامی وسایل و امکانات تولیدی و مبادله، اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، ایدئولوژیک و نظامی، مانع بزرگ دخالت مستمر و آزادانه توده های عظیم کارگر و زحمتکش و سازندگی واقعی جامعه بر سرنوشت خویش است.

هر کارگر و زحمتکش ایران در زندگی روزمره خود وقتی ناگزیر می گردد از حقوق و سطح معیشت خود در مقابل تعرض مداوم استثمارگران دفاع کند، به آشکارترین وجهی خود را در مقابل دستگاه جبر و ستم و سرکوبی میابد که به ایدئولوژی اسلامی نیز ملبس شده است و در میابد که در نظام سرمایه داری ایران، دستگاه دولت و تمام ضمایم آن ارگان سیادت و عامل بقا و بازتولید نظم موجودند.

”از برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست“

را غیرقابل اجتناب کرده است. اگرچه این وضعیت قرارداد ۲۵ ساله از روی استیصال رژیم با چین رادر نظر بگیریم و صفبندی قدرتهای بزرگ جهانی و تلاش آنها برای تجدید تقسیم مناطق نفوذ را مد نظر قرار دهیم و تو قطعنامه آمریکا برای ادامه تحریم تسلیحاتی ایران توسط چین و روسیه در شورای امنیت سازمان ملل و سایر تحولات و تهدیدات رابه حساب آوریم. میشود معنی انفجارات و آتش سوزیهای پی در پی در مراکز حساس و امنیتی رژیم را حدس زد که با احتمال به یقین آمریکا و اسرائیل و متحدان شان تلاش میکنند تا از طریق اقدامات عملی معادلات را برهم بزنند و استراتژی شان را در قبال جمهوری اسلامی و رقیبای جهانی شان نظیر چین و روسیه به پیش ببرند. اینکه تشدید این تضادها به درگیریهای آشکارتری خواهد انجامید یا نه، از هم اکنون قابل پیشبینی نیست. اما آنچه که در چشم انداز قرارداد تشدید تضاد های خارجی و داخلی و پیچیده تر شدن اوضاع در منطقه و ایران است.

در چنین چشم اندازی، وظیفه اصلی نیروهای کمونیست و انقلابی است که ضمن تقویت جنبش مستقل کارگری و کمک به ارتقاء آگاهی سوسیالیستی و سازمانیابی کارگران حول برنامه و آلترناتیو سوسیالیستی، سایر جنبشهای اجتماعی رادیکال زحمتکشان متحد طبقه کارگر را نیز از پراکندگی، بی برنامهگی و شورشهای خودبخودی بدر آورده و حول جبهه ای انقلابی برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی اجتماعی و سیاسی ایران، مبتنی برشوراها، متحد کنند.

ادامه از صفحه اول

هر چند که از این بابت طشت رسوائی رژیم بر سر هر بامی زده میشود اما اخیرا توالی افشا شدن پی در پی میلیاردها دلار اختلاس و دزدی های کلان از ثروت عمومی و دسترنج توده های زحمتکشی که زیر فشارهای اقتصادی کمرشان خم شده است، نشاندهنده فساد ریشه دار و غیرقابل علاجی است که سر تا پای رژیم را در بر گرفته است و بیرحمی فوق العاده و بی بدیل آنها رادر غارت و چپاول بنمایش میگذارد.

رژیم که در چنبره بحران اقتصادی، فساد اداری تبعات تحریم شدید اقتصادی و ناتوانی در کنترل و بیروس کرونا دچار آشفتهگی شده و کنترل باند های مافیائی درون خود را نیز از دست داده است. تلاش میکند با برگزاری یکی دودادگاه توخالی و قربانی کردن چند مهره دست چنم چین و انمود کند که براوضاع مسلط است و قصد برخورد با مفسدانی دارد که لایذ تعدادشان اندک و انگشت شمارند اما افشا شدن پی در پی اسناد و مدارک نشان میدهد فساد و تبهکاری ریشه ساختاری در حاکمیت دارد و این طبقه حاکم و صاحبان قدرت و ثروت هستند که دست در دست حاکمان در یک فضای سرکوب و خفقان به دزدان و اختلاسگران بی بدیل تبدیل شده و خون مردم را میمکنند و با محاکمه این ویا آن مهره دست چنم نه مردم فریب میخورند و نه دردی از دردهای ناعلاج تکیه دهندگان بر قدرت رادوا میکند.

از طرف دیگر اعتراضات و اعتصابات توده های کارگر و زحمتکش برغم محدودیت های کرونائی و تشدید سرکوبگری های رژیم، همچنان ادامه دارد و روبه وخامت گذاشتن بیشتر اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، خیزشهای زحمتکشان علیه وضعیت موجود

در باغ سبز " یک دنیای بهتر " !

مسعود - تهران

را بیشتر امیدوار میکرد که میتوانیم حزب مشترکی تشکیل بدهیم - تاریخ دو حزب { ، این از افاضات " چهره کمونیسم عصر " بوده . جالب این است که مصرند برای همه مقولات و معقولات تئوری ارائه دهند آنهم فقط با خواندن کاپیتال (با اطمینان میتوان گفت به غیر از کاپیتال چیزی خوانده اند چون بعد از مارکس منصور حکمت را استاد اعظم ! میدانند و بالطبع نوشته های دیگران ارزش خواندن ندارد) توجه کنید { قائل بودن به کمونیسم به عنوان یک جنبش اجتماعی و نه یک ایدئولوژی و یک سری نظرات و تئوریا و سیاستها ، کمونیسم کارگری معتقد است قبل از هر چیز کمونیسم یک جنبش عینی اجتماعی است . این یکی از مهمترین دست آوردها در افزوده های منصور حکمت به مارکسیسم است این نظریه را میتوان " تئوری جنبشی مبارزه طبقاتی " نامید با تاسی به " تئوری کاری ارزش " که مارکس مطرح میکند به این اعتبار جنبش کمونیستی از مارکسیسم و از مانیفست کمونیست پیشی میگیرد - تاریخ دو حزب { . انچنان زیبا سفسطه میکنند که سفسطائیان قرون گذشته هم انگشت به دهان مانده اند ، جنبش کمونیسم اجتماعی بر پایه چه باوره هایی شکل گرفته ؟ و از چه ماهیت طبقاتی برخوردار است ؟ معلوم نیست . نمونه ها بسیار است ، علت شکست انقلاب اکبر را چنین اعلام میکنند { در واقع شکست جنبش کمونیستی (به لحاظ دستوری صفت و موصوف است) که توسط بلشویکها نمایندگی میشد در مقابل جنبش صنعتی کردن روسیه (فعل و فاعلی است) که بوسیله کادت و منشویکها و استالین نمایندگی میشد ، رخ داد - تاریخ دو حزب ، داخل پرانتز از بنده است { ، در حالی که این دو جنبش مفروضی هیچ کدام الزاما نافی یکدیگر نیستند جنبش کمونیستی در عین حال میتواند جنبش صنعتی کردن هم باشد ، دراصل با این استنتاج به مخاطب الغا میکنند

هدف نخست کل جنبش کمونیستی را بورژوازی نامیدند که مدافع منافع بورژوازی خرد و متوسط در برابر سرمایه داران بزرگ یا کمپرادور هستند و با نامیدن خود به عنوان مارکسیسم انقلابی دیگران را غیر مارکسی یا غیر کارگری معرفی کردند که آگاهانه منافع بورژوازی را نمایندگی میکنند { سیاستها و نظرات کمونیسم غیر کارگری را ناشی از ضعف یا کج فهمی تئوریک و نظری آنها نمیدانیم ، کمونیسم غیر کارگری جنبشهای دیگری را در جامعه نمایندگی میکند - تاریخ دو حزب { . تکفیر و طرد تمامی جریانات چپ همراه شد با ساخت لغات و مفاهیمی نو تا به زعمشان جایگزین آن ویرانه ای شود که با ضربه سنگین ! آنها به جنبش کمونیستی سنتی بورژوازی ! به وجود آمده لغاتی چون کمونیسم کارگری ، کمونیسم مارکسی ، کمونیسم مدرن ، مارکسیسم انقلابی ، کمونیسم بورژوازی ، کمونیسم انسانی ، چپ حاشیه ای و گروههای فشار ، تا کمونیسمی شیک و امروزی را به جامعه ارائه دهند کمونیسمی که بورژوا پسند هم باشد ، منصور حکمت را هم { نمایندند و چهره کمونیسم عصر { نامیدند . کمونیسم این حضرات بر پایه سفسطه و بازی با لغات شکل گرفته که با گپیچ کردن مخاطب نتیجه دلخواه بدست آید . تناقض و تلون مزاج و خود شیفتگی در افاضات حضرات موج میزند ، نخست با این ایده وارد شدند که تا قبل از ظهورشان هیچ جریان کمونیستی در ایران وجود نداشته بعد اعلام میکنند کومله به آنها نزدیک است و میتوان با آن حزب مشترکی تشکیل داد آن هم با چه دلیل محکمی { منصور حکمت میگفت رفقای (!) رهبری کومله مثل خود ما با اسم کوچک یکدیگر را صدا میکنند و جوک میگویند با همدیگر خیلی خودمانی و صمیمی هستند رابطه ما در اتحاد مبارزان هم همینطور بود و این شباهتها در مناسبات و روابط بین اعضا و کادرهای دو سازمان ما

جنگ طبقاتی مشخصه اصلی تمامی دوره های تاریخی بوده ، نبردی همواره نابرابر که در یک سو استثمار کنندگان و غارتگران با تمامی امکانات و ابزارها قرار داشته اند و سوی دیگر استثمار شوندهگان که تنها به نیروی اراده و اتحاد خود متکی بوده اند . در عصر حاضر این جدال دائمی کار و سرمایه است که در تمامی مناسبات اجتماعی نمود دارد جدالی همچنان نابرابر که همه عرصه های زندگی را در بر میگیرد ، در این جدال نابرابر کمونیستها به عنوان پیش قراولان اردوی کاربه عنوان تنها نیروی بالقوه و بالفعل در آگاهی بخشی و سازماندهی طبقه کارگر همواره آماج توطئه ها و تهاجمات بورژوازی قرار داشته و دارند و فقط آگاهی و درایت و در عین حال جانفشانی کمونیستها در هر دوره ای توانسته این تلاشها را خنثی کند . جنبش کمونیستی ایران که بعد از خیانتهای حزب توده در محاق عجبیبی فرو رفته بود با رشادت فداییان ققنوس وار سر برآورد و به گفتمان اول مبارزات توده ها در دوره پهلوی بدل شد به طوری که استقبال گسترده از مراسم روز اول ماه مه سال 58 توسط سازمان چریکهای فدایی خلق ، امپریالیسم را که با ترندها و زد و بند ها بسیار توانسته بود خمینی را با موقعیت کاریزماتیکش بر انقلاب توده ها مسلط کرده و سرمایه داری ایران را نجات دهد به شدت شوکه کرد ، این رخداد خارج از تصور بورژوازی بود ، سرکوب خونین رژیم فاشیست مذهبی که از همان آغازین دقایق حیاتش در پیش گرفت به همراه تلاش جیره خواران بورژوازی موسوم به اکثریت فقط به شکل مکانیکی صورت مسئله را حذف میکرد ، میبایست جنبش کمونیستی از درون تهی میشد آنهم با استراتژی بلند مدت و حساب شده ، این رسالت را آن پنج نفر و نصفی که با خواندن کاپیتال (که فقط به قصد سبقه آفرینی صورت گرفته) خود را خدای تئوریک و پراتیک معرفی میکردند بر عهده گرفتند { به نظر من جنبش چپ بعد از تجربه کمونیسم اردوگاهی و کمونیسم چینی و خط چریکی و غیره که هیچ کدام کمونیسم مارکس و منافع کارگران را نمایندگی نمیکردند به کمونیسم منصور حکمت نیازمند بود - تقوایی تاریخ دو حزب { با همین

در باغ سبز " یک دنیای بهتر " !

که بلشویکها به رهبری لنین مخالف صنعتی شدن و بالطبع پیشرفت جامعه بودند . یک نمونه دیگر { آته ائیسم و مبارزات عصر روشنگری علیه مذهب ، کوتاه کردن دست کلیسا از دولت و کلا نقد ارزشها و فرهنگ فئودالی دهقانی همه اینها در اروپا اتفاق افتاده بود ، آخرین پیشروها در موسیقی و ادبیات و هنر محصول غرب بوده اما در دیدگاه چپ سنتی خیلی از این پیشروها به حساب فرهنگ امپریالیستی و فرهنگ استعماری گذاشته میشد از نظر ما موزیک و ادبیات و هنر و آداب و رسوم و اخلاقیات جوامع غربی از سنت های خودمان که نام دیگر فرهنگ فئودالی و روستایی بوده به مراتب پیشرو تر و مترقی تر بود ، این یک امر عقیدتی نبود بلکه از نظر فرهنگی و ارزشها و ایده آنها خود را نزدیکتر به موزیک و هنر و اخلاقیات رایج در اروپا حس میکردیم تا فرهنگ ایران - تاریخ دو حزب { آیا این تراوشات فکری مفهومی جز اهانت به شعور مخاطب دارد ؟ چرا به خود زحمت ندادند نیم گاهی حداقل به تاریخ معاصر ایران بیاندازند ؟ آیا این حضرات اطلاعی از مقوله ساده و ابتدایی زیر بنا و روبنا و رابطه لازم و ملزوم این دو با یکدیگر ندارند ؟ به نظر من به خوبی اطلاع دارند ، نقل قول فوق را با این جملات مقایسه کنید { از نظر ما مبارزه طبقاتی تنها در عرصه کارخانه و رودرویی کارگر و سرمایه دار بروز نمیکند ، مبارزه و کشاکش طبقه کارگر و سرمایه دار در همه عرصه ها از فرهنگ و هنر تا ورزش و اقتصاد و سیاست و اخلاقیات و غیره قابل مشاهده است - تاریخ دوحزب - تقوایی { انسان حیران میماند از این همه محیل بودن و رندی که چگونه آگاهانه و عامدانه میکوشند پروغرب افراطی را ترویج کنند میکوشند مودیان به تمجید از هنر و ادبیات و وبه طور کل فرهنگ با اصطلاح غربی اهداف بورژوازی را در ترویج نهلیسم افسار گسیخته خصوصا در بین جوانان که نیروی بالقوه انقلاب ضد سرمایه داری هستند ، پیش ببرند . به نمونه دیگری این دست افاضات

توجه کنید { حزب نماینده طبقه کارگر در مبارزه بر سر کسب قدرت سیاسی است امروز طبقه کارگر پرچم آزادی بشر را به دوش میکشد - تاریخ دو حزب { در حالی که حمید تقوایی در جای دیگری اعلام میکند { تنها با جریانات چپی که نه نماینده طبقه کارگر بلکه مانند حزب کمونیست کارگری نماینده تمام مردم ایران باشند میتوانیم ائتلاف داشته باشیم - 15 / 3 / 99 تلویزیون حزب { و چهره کمونیسم عصر در سخرانیی در سوئد { تاکید میکند که زیر پوست هر انسان شریف و منصفی یک کمونیست دو آتشفشان نهفته است { یعنی این متحول کننده مارکسیسم حتی به این شناخت نرسیده که مفاهیمی چون انسانیت ، شرافت ، انصاف و وروو نسبی است و موقعیت طبقاتی افراد به آن معانی متفاوت میبخشد ، همپالگی های خمینی و خامنه ای هم این جلادان را انسانهای شریف و منصف و آزاده میدانند . اما " یک دنیای بهتر " که عصاره همه این تراوشات ذهنی است به خوبی خواسته ها و اهداف این جریان را روشن میکند . بعد از یک مقدمه طولانی که چند پاراگراف را با پس و پیش کردن مرتب تکرار میکند به رئوس برنامه ها میرسد که در اینجا فقط در بند اول به مسئله تشکیل شورا به عنوان ارگانی جنبی دولت برای " دخالت توده وسیع مردم در دولت و تصویب قوانین " مینگرد و بس ، در جای دیگری از این ارگان که میبایست شالوده و اساس حاکمیت آینده باشد و اقداماتی که میباید انجام دهد ،

اشاره ای نشده . در مورد متلاشی شدن بلافاصله ماشین نظامی و سرکوب رژیم ، در موضع گیری نرم اعلام میدارد که " حزب موافق برجیدن ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای است " و در عین حال با بر شمردن مواردی بر رعایت حقوقی برای پرسنل نیروهای مسلح مادامی که وجود دارند تاکید میکند . پیرامون حقوق و آزادیهای فردی و مدنی مجموعه ای از حقوق را ردیف میکند که در قوانین اغلب کشورهای بورژوازی حتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی بر آن تاکید شده و نکته جدیدی ندارد فقط اینکه اعلام میدارد این حقوق در پاره ای از کشورها ؟ به شکل با ثباتی بر قرار است ، نکته اصلی این است هیچ مکانیسمی برای تحقق این حقوق وجود ندارد . مسئله تبعیض قومی از نکات بارز این برنامه است ضمن اینکه اعلام میکند با هر گونه هویت ملی برای ملیتی خاص مخالف است و خواهان برقراری نظامی که همه افراد بدون در نظر گرفتن هویت ملی و قومی در انقیاد دولت مرکزی باشند و البته فراموش نمیکند که اعلام دارد " حزب تنها در صورتی به جدایی کردستان رای موافق میدهد که قویاً محتمل باشد چنین مسیری کارگران کردستان را از حقوق مدنی پیشروتر و موقعیت اقتصادی و اجتماعی برابرتر برخوردار خواهد ساخت " و برای قوم کرد که از موقعیت خاص و برتری و توانایی نسبت به دیگر اقوام ایرانی در ایستادگی و

ادامه در صفحه ۱۱

حزب یک نیروی انتقادی

(از برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست)

وظیفه کمونیستها تنها فورموله کردن تئوری انقلاب ایران نیست . بلکه تصویریه کردن ساختمان آن حزب انقلابی است که وظیفه دارد پیوند تئوری و پراتیک را عملی و رهبری این انقلاب را عهده دار گردد . بنابراین اهمیت این تئوری در آن خواهد بود که نقطه آغاز بر جمع بندی انتقادی پراتیک گذشته بمنظور فائق آمدن بر موانع راه آینده این پیروزی استوار باشد .

ما کمونیستهای فدائی چه در درون سازمان و چه در بیرون از آن . همیشه این بحث عمومی را دنبال کرده ایم که چگونه می توان ساختمان حزب . برنامه . اساسنامه . سبک کار . استراتژی و را با یک ارزیابی انتقادی از گذشته تاریخی . از بحرانها و از شکستها و پیروزیهای جنبش کارگری و مبارزات طبقاتی نوسازی کنیم . بنابراین بازنگری به گذشته را بمنابیه چراغ راه آینده برای واقعی بودن و نتیجه بخش بودن هر برنامه و اقدامی ضروری می شماریم .

چهار نعل تاختن جمهوری اسلامی بدنبال ترکیه و عربستان سعودی در امریکای جنوبی.

روابط بین الملل سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

نیات و اهداف رژیم برای نزدیکی به کشورهای امریکای جنوبی

مضمون مبارزات ما بر علیه دخالات امپریالیسم در هر نقطه دنیا، مضمون ضد سرمایه داری را هم در خود دارد که در برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست نیز منعکس شده. ما همچنانکه دخالت امپریالیستها را در ایران و عراق گرفته تا نیکاراگوئه و ونزوئلا و تمامی نقاط دنیا را محکوم میکنیم و حق تعیین سرنوشت خلقها را در راه مبارزه آنها بر علیه امپریالیسم و سرمایه داری حمایت میکنیم، همچنان مبارزه و افشاکاری خود را بعنوان کمونیست و انترناسیونالیست بر علیه به ظاهر " ضد امپریالیستی هایی " همچون جنایتکارانی چون جمهوری اسلامی، طالبانها، داعشی ها و بر علیه هر گونه سیستمها و حکومتهای قرون وسطایی- مذهبی و اسلامی ادامه می دهیم و نظم سرمایه داری و استثمارگرانه این سیستمها را افشا خواهیم کرد. سیستم جمهوری اسلامی با حکمرانی سرمایه داری خود، سالها در تلاش است نظم قرون وسطایی و غیربشری خود را در خاورمیانه همچون تاریخچه ۱۴۰۰ ساله سلسله اسلام برقرار و گسترش دهد. جمهوری اسلامی همچون تاریخچه بیش از ۱۴۰۰ ساله اسلام، انسانها را به خاک و خون میکشد، سر می برد، کتاب سوزان راه میاندازد، سنگساران میکند، زنده زنده انسانها را به گورهای دسته جمعی می سپارد، جنگ و لشکرکشی تدارک می بیند و مردم را به زور و جبر به اسلام میکشاند. تمامی این جنایات را رژیم فاشیست، امپریالیستی و نژادپرست هیتلر نیز انجام داد. هیتلر این اعمال جنایتکارانه را برای گسترش ایدئولوژی فاشیسم پیاده کرد. فاشیسم هیتلر نیز انسانها را زنده زنده به گور کشاند، کتابسوزان راه انداخت، جوخه های دسته جمعی مرگ را سازماندهی کرد و برای گسترش فاشیسم به لشکرکشی و جنگ دست زد. جمهوری اسلامی نیز برای گسترش

ضدامپریالیستی خود را در پیش برده و برای حق تعیین سرنوشت خود بر علیه امپریالیستها مبارزه میکند. رژیم جمهوری اسلامی با آگاهی به این مسئله، برای نزدیکی با چنین حکومتهایی از هیچ تلاشی دریغ نمی ورزد تا حدی که در روزهای گذشته چند کشتی محمول نفت و بنزین و قطعات یدکی صنایع نفت را راهی ونزوئلا کرده است. رژیم جمهوری اسلامی برای توسعه امپریال اسلام خود و برای گسترش سرمایه خود در تلاش است تا بتواند تا آنجا که امکان دارد خود را از منزوی شدن در جهان بیرون آورد و خود را در کنار و صف حکومتهای ضدامپریالیست غیرمذهبی نیز، جا بزند. رژیم نه تنها در ونزوئلا و دیگر نقاط دنیا، گدایی و حمایت سیاسی را در تلاش است که بدست آورد، بلکه جای پای ناپاک اسلامیش را هم میخواهد در هر کجا که ممکن است برای گسترش مذهب و اسلام ارتجاعی، باز کند. ارسال طلبه های تعلیم داده شده به امریکای جنوبی نمونه ای از فعالیتهای ارتجاعی رژیم در این منطقه است. در تأیید این موضوع، می بینیم که امام جمعه شیراز در هفته گذشته در روز جمعه به تاریخ ۳۰ خرداد در برگزاری نماز جمعه، نگرانی خود را از کشته شدن طلبه ها، در امریکای جنوبی اظهار میدارد: " طلبه های ما در امریکای جنوبی در راه تبلیغ دین اسلام کشته میشوند. ... بایستی مبلغان دینی بیشتری تربیت کنیم و به کشورهای مختلف جهان برسانیم." قابل یادآوری است که جامعه المصطفی، نهاد تبلیغی تحت نظر خامنه ای، طلبه ها را تربیت و به کشورهای چون آرژانتین، برزیل و ونزوئلا روانه میکند! ونزوئلا بیشترین آمار سکونت مسلمانان را نسبت به دیگر کشورهای امریکای لاتین به خود تعلق دارد. آماري که منشاء آن به مهاجرین قرن گذشته به این کشور برمیگردد که مهاجرین عرب مسلمان جزو آنها هستند. عربستان سعودی و حاکمان ارتجاعی ترکیه از دیرباز جای پای ناپاکشان را زودتر از حاکمان جمهوری اسلامی در امریکای لاتین

چهارنعل تاختن جمهوری اسلامی بدنبال ترکیه و عربستان سعودی در امریکای جنوبی

باز کرده اند. بزرگترین مسجد در تمامی امریکای لاتین در بوینس آیرس در آرژانتین قرار دارد.

در اواخر دهه هفتاد با سرمایه گذاری عربستان سعودی و با تصویب دولت نظامی و دیکتاتوری آرژانتین، در آن زمان، این مسجد تأسیس شد. دومین مسجد بزرگ در امریکای لاتین در کاراکاس در ونزوئلا قرار دارد. دولت ارتجاعی ترکیه با خرج میلیونها دلار این مسجد را در کاراکاس پایه گذاری کرد. تأسیس این مسجد در کاراکاس نه زمانی که چاوز و حکومت بولیوار در ونزوئلا به پیروزی رسیدند، آغاز گشت، بلکه به حکومت نظامی ونزوئلا در اواخر دهه نود برمیگردد. در واقع ترکیه و عربستان سعودی حصار گسترش اسلام را در امریکای جنوبی بیشتر از رژیم جمهوری اسلامی در دست دارند و این مسئله به باب نیات رژیم جمهوری اسلامی نیست. به همین خاطر رژیم اسلام در ایران، چهار نعل میزند تا بلکه برای تحقق اهداف قرون وسطایی اسلام، به پای رژیم ارتجاعی ترکیه و رژیم جنایتکار و آدم کش عربستان برسد. رژیم با اعطاء نفت و بنزین به ونزوئلا بی شک توقعات دو جانبه ای را در تلاش است که در آنجا بدست آورد. رژیم خواهان آوانس گرفتن در قبال کمکهای مالی خود در همه جا است. تاکنون در امریکای لاتین جمهوری اسلامی نتوانسته آوانسهای آنچنانی را بعد از بیست سال تلاش، از این کشورها بگیرد. راه مبارزه ضدامپریالیستی ونزوئلا، جدا از هوچیگری، یاغیگری و گسترش اسلام غیربشری ست. در تمامی امریکای لاتین، از اواخر قرن نوزده تاکنون، بخصوص از دهه پنجاه تا با امروز، راه مبارزه برای آزادی، مبارزه برای سوسیالیسم، مبارزه واقعی بر علیه امپریالیسم و راه مبارزه بر علیه سرمایه داری و کارتلهای استثمارگر بوده و نه مذاهب تخیلی مسیحیت، نه کاتولیسم و نه مذهب اسلام توانسته است نیروی مبارز خلقها و مبارزین طبقه کارگر و زحمتکش را در آنجا به عقب

بکشاند. شواهد این قضایا از امریکای مرکزی تا امریکای جنوبی بر همه روشن است.

اهداف رژیم، گسترش برنامه های ارتجاعی، ضد بشری و تقویت برنامه های سرمایه داری ست. کمکهای مالی - نظامی رژیم و توقعات دو جانبه ای که رژیم تعقیب میکند تا بلکه راه برای گسترده گی امپریال اسلام ارتجاعی خود را وسعت دهد، چیزی جدا از اهدافی که حکومت فاشیستی هیتلر در پیش گرفت، نیست. درست همین سیاست رژیم جمهوری اسلامی را حکومت نژادپرست و فاشیسم آلمان به رهبری هیتلر در پیش داشت. از سالهای قبل از شروع جنگ جهانی دوم که در سال 1939 آغاز گشت، از همان آغاز به قدرت رسیدن فاشیسم در سال 1933، دولت فاشیستی هیتلر با کشورهای اسلامی از جمله مصر، عراق پیمانهای نظامی - اقتصادی را وضع کرد و حتی با حکومت سرسپرده و دست نشانده بریتانیا یعنی با رضا شاه، پیمانهای مخفیانه ای را پیش برد، طوری که تا اواخر جنگ جهانی دوم، حکومت رضا شاه نقش بزرگی را برای تولید و صادرات پنبه برای پوشاک ارتش فاشیستی آلمان بعهده داشت. حتی فاشیسم آلمان چند سال قبل از آغاز جنگ جهانی دوم برای اینکه اهداف اشغالگرانه خود را تدارک ببیند، پیمان " صلح جویانه " را با دشمن اصلی خود، یعنی با شوروی به رهبری استالین بست. در عملکردها و جنایات نازیسم در آلمان، دیدیم که حکومت فاشیستی هیتلر نه تنها با تعقیب و سرکوب و کشتار تمامی آزادیخواهان، کمونیستها، کارگران و زحمتکش در آلمان، بلکه در تلاش برای گسترش فاشیسم و تسلط امپریالیسم آلمان در اروپا با کمک متحدین خود، در سراسر دنیا، بدنبال گشتن همپیمانان خود بود. جمهوری اسلامی با تمامی عینیات و عملکردهای جنایتکارانه خود چه در ایران و چه در بین الملل، راههای فاشیسم هیتلری را برای گسترش امیال سرمایه داری و وسعت امپریال اسلام در پیش گرفته است، با این تفاوت که رژیم قدرت عظیم نظامی فاشیسم آلمان را ندارد، اما جنایات و درندگی و خونریزی همان است.

رژیم سرمایه داری حاکم بر ایران اگر با حيله و فریب، ندای مرگ بر امریکا را سر می زند، همطراز با این داد و بیداد پوچ و تو خالی، همواره بیش از چهل و یک سال است که مستقیم و غیرمستقیم با چراغ سبز و اجازه امریکا، با همپیمانان این امپریالیست، از ژاپن، فرانسه، آلمان، ایتالیا گرفته تا اتریش و غیره مناسبات و خریدهای تسلیحاتی خود را همچنان ادامه میدهد. رژیم ترور و سرمایه داری اسلام در ایران با بنیان و اساس کاپیتالیستی خود که روز بروز بیشتر از پیش، کارگران و زحمتکش ایران را به فقر و تهیدستی کشانده است، نمیتواند با ادعای کمک به دولتهای ارتجاعی مسلمان و احزاب ترور و جنایتکار اسلامی، خود را بعنوان ناجی مردم جا بزند، بوق کرنای ضدامریکایی سر بزند و همچنان آشکار و غیرآشکار با امپریالیستها به هم آغوشی و معاملات خود ادامه دهد.

رژیم جمهوری اسلامی در به حصار کشاندن و زنجیرکشیدن توده های مردم، در ترور و اعدام کارگران، اعدام آزادیخواهان و روشنفکران انقلابی و در کشتار توده های مردم زحمتکش ایران، از طرف مجامع بین الملل و حقوق بشر، جزو رتبه های اول حکومتهای دیکتاتور جهان را به خود تعلق داده است. زمانیکه مردم از بی آبی و بی نانی، از نبود مایحتاج زندگی و گرانی بنزین به خیابانها می ریزند و رژیم آنها را به گلوله می بندد، زمانیکه کارگران اعتصابی دستگیر، شکنجه و اعدام میشوند، زمانیکه زنان، اسیر قوانین ارتجاعی اسلام قرار میگیرند، زمانیکه ضد امپریالیستهای واقعی از فداییان کمونیست گرفته تا نیروها و مبارزین آزادیبخش و سوسیالیست و انترناسیونالیست، دهها سال است که توسط رژیم جمهوری اسلامی به جوخه های اعدام سپرده میشوند، چگونه میتوان به حيله گریها و نمایشهای " ضد امپریالیستی " این رژیم باور کرد. ما در کنار افشاگری بر علیه سیاستهای فریبکارانه رژیم اسلام در ایران، همچنان و همواره از موضع ضد امپریالیستی ونزوئلا دفاع میکنیم و همطراز، بدون هیچ درنگی حمایت مادور، رئیس جمهور ونزوئلا را از جمهوری اسلامی نمی پذیریم!

چهارنعل تاختن جمهوری اسلامی بدنبال ترکیه و عربستان سعودی در امریکای جنوبی

ادامه از صفحه

وظیفه تمامی آزادیخواهان، انسانهای مبارز سوسیالیست و کمونیست، وظیفه تمامی انسانهای ضدامپریالیست و ضد سرمایه داری ست که با ایجاد صفی متحد، با تشکیل یک جبهه انقلابی، متحدتر و بسیار متشکل تر، شکلها، حرکتها و تاکتیکهای فاشیستی رژیم را افشا کنند و هر چه بیشتر از پیش، جمهوری ارتجاعی اسلام را در دنیا افشا و منزوی کنند و حیل و حیل های این رژیم و اهداف آنرا با هر رنگ و لعابی که پیش می برد، بدون هیچ ابهامی افشا نمایند و برای سرنگونی رژیم قرون وسطایی، قدمهای استوارتری بردارند! سکوت در مقابل حیل های " ضد امریکایی " رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، کمکی به مبارزه ضدامپریالیستی واقعی نخواهد کرد، بلکه موجب توهم گرایی نسبت به کلکها و نیات ارتجاعی رژیم خواهد بود.

تشکیل یک جبهه انقلابی از مبارزین آزادیخواه، نیروهای کمونیست، سوسیالیست، انقلابی و ضدامپریالیست راهی ست که همراه با مبارزات زنان، کارگران و زحمتکشان در ایران، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را برای رسیدن به جمهوری فدراتیو شورائی تسهیل تر خواهد کرد!

روابط بین الملل سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

تیر 1399

جولای 2020

"همواره این توانایی را داشته باشیم که هر سرکوب و ظلمی را که در هر نقطه دنیا اتفاق میافتد، با احساس واقعی و درونی لمس کنیم. این گواهی زیباترین خصلت و مشخصات یک انقلابی ست." ارنستو چه گوارا

در باغ سبز " یک دنیای بهتر " !

... مقاومت در برابر دولت مرکزی برخوردارند ، حساب ویژه باز میکند و برای آنها امکان جدایی با فرزند را فراهم میکند ، باقی اقوام را چون میتوان راحتتر سرکوب کرد و به انقیاد در آورد دلیلی ندارد از این امتیاز بر خوردار باشند . در بخشهایی از این برنامه علنا تعدد زوجات و فحشا را به مانند جمهوری اسلامی ترویج میکند با این تفاوت که جمهوری اسلامی آن را در قانونمند کرده و لی حزب با این بند " لغو کلیه مقررات عقب مانده و ارتجاعی که به رابطه جنسی زن و مرد با کسانی جز همسر خویش به عنوان جرم برخورد میکند " آن را کاملاً آزاد میکند البته فراموش نمیکند به حقوق زن هم احترام بگذارد و برای هر دو طرف این حق را قائل باشد (و کل جامعه را به شهر ... بدل کند) . دنیای بهتر برای زنان و ایفای حقتشان بندهای متعددی دارد ولی فراموش نمیکند که موقعیت زن به عنوان ابزاری برای تامین شهوترانی های مردان حفظ شود و حتی حمایتهای قانونی و مراقبت های پزشکی برای این زنان که از تن فروشی " به عنوان یک شغل فردی " برای تامین معاش خود استفاده میکنند برقرار کند در این رابطه البته اهدای جواز کسب را هم از یاد نمیببرد ، براستی چند درصد از زنان تن فروش به انتخاب و اختیار خود به این شغل ! مشغولند که دولت موظف است " شخصیت و حیثیت آنها به عنوان شهر وندان محترم جامعه و کمک به سازمایی آنها در سازمان صنفی خویش " را در دستور قرار دهد ؟ نمود مادی روسپیگری و فحشا که زاید نظام سرمایه داری میدانیم و باید با آن مبارزه شود کجا است ؟ البته این سوال غلط است و نباید از اینان پرسید چرا که حضراتشان نه با روسپیگری مخالفند و نه با اعتیاد بلکه میخواهند دست " باندهای مافیایی قاچاق و اراند و اوباش و باج خورها " قطع گردد و دولت خود به توزیع کننده " برخی مواد مخدر معین به اندازه مصرف شخصی ، قرار دادن سرنگ و سوزن تزریق در اختیار کلیه متقاضیان توسط داروخانه ها و درمانگاهها " مشغول شود در کنار دایر کردن قانونی انجمن صنفی روسپی ها ، چه حکومت کارگری شود حکومت آینده حضرات . حکومتی که توسط حزب اداره میشود و کارگران در حد همان قانون کار البته قدری منصفانه تر (در حد دول اسکاندیناوی) برخوردار میشوند قانون کاری که با الگو برداری از قوانین کار دول مختلف حتی جمهوری اسلامی سرهم شده (فی المثل تعیین حداقل دستمزد سالانه را موکول به مذاکره بین نمایندگان کارگران و کارفرمایان و دولت موکول کرده است) . در دنیای بهتر آینده حتی برای " ممنوعیت ایجاد بخش های لوکس و عادی درجه یک و درجه دو در سرویسهای حمل و نقل عمومی و هتل ها و مراکز تفریحی " بندی در نظر گرفته شده ، ولی به اصل مطلب که اس و اساس مبارزه کمونیستها برای است ، نپرداخته ، برای اعمال حاکمیت طبقه کارگر بر مناسبات موجود و مصادره و اموال منقول و غیر منقول سرمایه داران و در کنترل گرفتن و اداره آن توسط کارگران و کارکنان این مراکز و چگونگی حرکت به سمت تغییر مناسبات موجود و تحقق سوسیالیسم ، سخنی به میان نیامده است . البته نمیتوان خرده هم گرفت چرا که حزب خود قدرت را به دست دارد و همه زحمات را میکشد و " تصمیمات و توافقات حزب با مسائل مبتلابه جامعه و موضع رسمی حزب در هر مقطع بر مبنای یک بررسی مشخص از موقعیت موجود در مصالح و منافع طبقه کارگر و مردم کارگر و زحمتکش تعیین خواهد شد " . مردم کارگر زحمتکش بروند زندگی خودشان را بکنند و حالشان را ببرند . فکر میکنم بیش از حد به این نله آسمانی پرداختم ، خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل .

مسعود - تهران 17 / 4 / 99

اطلاعیه مشترک شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست علیه حکم اعدام و رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بایستیم!

ماشین کشتار جمهوری اسلامی از بدو تولد تاکنون دمی از کشتار معترضان باز نایستاده است. در ادامه کشتارها اخیرا دستگاه قضایی بعنوان یکی از اصلی ترین عوامل این کشتار معترضین و دستگیرشدگان سالهای 96 و 98 را نشانه رفته است. بیش از 12 تن از آنها تحت عنوان «مفسد فی الارض» به اعدام محکوم شده اند. و در روزدوشنبه 24 تیر دو زندانی سیاسی به اسامی دیاکو رسول زاده و صابر شیخ عبدالله را در زندان ارومیه اعدام کردند. امیرحسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی سه تن از دستگیرشدگان آبان ماه هستند که حکم اعدامشان تایید و به اجرا نزدیک شده است.

جمهوری اسلامی در چنگ بحران های متعدد و استیصال روزافزون درمقابل کارگران و زحمتکشان که در فقر و بی حقوقی دست و پا میزنند بوحشت افتاده و مثل همیشه جز کشتار معترضین راهی در مقابل خود نمی بیند. سالهاست که معجزه ترساندن و سرکوب آخرین ذخیره هایش را نیز شلیک کرده است. دیگر نمی توان با گلوله و زندان و اعدام پاسخ گرسنگی و فقر و بی حقوقی و تبعیض را داد و آنرا به سکوت وادارکرد. بیکاران، کارگران و زنان و باز نشستگان بارها به خیابان آمده اند و تا پای جان ایستادگی کرده اند. علاوه برکشتارهای تاکنونی هنوز خون تازه 1500 نفر درآبانهام برسنگفرشها باقی است و هزاران دستگیری و صدها ناپدید شده نه تنها کسی را خانه نشین نکرده است، بلکه همه به روشنی می دانند که کابوس رژیم عروج مجدد معترضین است. دستگیری و زندانی کردن کارگران و احکام شلاق و اعدام گواه این وحشت از مرگ است. در تمام این مدت کارگران لحظه ای از اعتراضات خویش عقب نشینی نکرده اند و همچنان غول اعتراض مهیای خیابان است. اعتراض قدرتمند کارگران هفت تپه در سی و یکمین روز مبارزه پرشورشان، سرکوبگران را مجبور کرد، در کمتر از 24 ساعت چهار فعال کارگری دستگیر شده را آزاد کنند. اعتراض گسترده و جهانی به حکم اعدام امیرحسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی تحت نام "اعدام نکنید" فشاری را بر جمهوری اسلامی وارد کرده، که صحبت از بررسی مجدد پرونده آنها مطرح است. اما ترفندهای این رژیم شناخته شده است. فشار و اعتراض گسترده تر و محکمتر هنوز لازم است تا مجازات اعدام به طور اساسی و حکم اعدام این سه نفر لغو شود.

شورای همکاری مجازات اعدام را عملی جنایتکارانه میدانند و همه آزادیخواهان را به مقابله علیه این اقدام غیر انسانی و برای رهایی همه زندانیان سیاسی و کارگران زندانی فرامیخوانند. از همه کارگران و زحمتکشان میخواهد بهر طریق ممکن در مقابل این احکام انزجار خود را اعلام و برای الغاء آن تلاش کنند.

آزادیخواهان و نیروهای انقلابی و رفقای شورای همکاری: در هرکجا هستید در سازمانیابی اعتراض علیه این جنایات فعالانه شرکت و کوشش کنید

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

جولای 2020 15

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



وضعیت اقتصادی فعلی طبقه کارگر در ایران



حمید پویا

ابتدا باید اشاره کنم که ارقام داده شده در این نوشته را من عموماً از منابع مختلف در اینترنت بدست آورده ام و نام این منابع را یادداشت نکرده و ذکر آنها را عموماً در اینجا مناسب نمی‌دانم.

طبقه کارگر در ایران در زمان فعلی - طبق برآورد من - حدوداً بالغ بر 14 میلیون کارگر میشود. این رقم مشتمل بر مجموع کارگران شاغل و بیکار و بازنشسته میگردد. کل افراد شاغل و بیکار فعلی در ایران، بنابر آمار رسمی، بترتیب 23.81 و 3.26 میلیون نفر میباشد. میتوان گفت که کل جمعیت مربوط به طبقه کارگر (یعنی همه کارگران مذکور باضافه اعضاء خانواده اشان که از لحاظ اقتصادی غیر فعال بوده و بطور متوسط میتوان 3 نفر در هر خانواده برآورد نمود) بالغ بر 42 میلیون نفر میشود، یعنی تقریباً 51% جمعیت فعلی این کشور که بر طبق آمار رسمی حدود 83 میلیون نفر میباشد. تقریباً 20% کارگران زن و 80% آنان مرد هستند و باتوجه به اینکه در دوران کنونی در سطح جهانی رویهمرفته تعداد کارگران مرد خیلی بیشتر از کارگران زن میباشد، لذا من ذیلاً در تعریف مقوله "کارگر" گفته ام "کارگر مرد و زن" و نه "کارگر زن و مرد".

مقصود از "کارگر" بطور اختصار فردی است که، بعنوان شغل عمومی اش، در حوزه های اقتصاد سرمایه داری (و نیز در حوزه اقتصاد خرده بورژوازی در جامعه بورژوازی) کارموند و نیز کار جسمی انجام میدهد و در عین حال در هیچ سطح و در هیچ شکلی در روندهای کار نقش هدایت و رهبری و مدیریت بعهد ندارد و البته مزد یا حقوق بگیر بوده و توسط کارفرما استثمار میشود.

کارگران در ایران عموماً بسیار فقیر بوده و زندگی فلاکت باری دارند. زیرا درجه استثمار آنان بسیار بالا هست و میزان تولید سرانه در جامعه بسیار پایین است. دومی بمعنای اینست که رویهمرفته بارآوری کار و میزان انباشت سرمایه ثابت در جامعه بسیار پایین است؛ و در نتیجه پایه مادی اقتصادی لازم جهت رفاه نسبی توده های مردم در چارچوب جامعه

گفته شده است که نرخ متوسط استثمار در ایران حدود دو برابر بیشتر از انگلستان و ایالات متحده آمریکا هست. " علت اصلی بالا بودن نرخ استثمار در ایران نه بالا بودن بارآوری کار بلکه سطح بسیار پایین مزدهاست". " روش اصلی استثمار در ایران روش استثمار مطلق است". اما در اینجا نخستین مسئله این است که این اظهارات - صرفنظر از درجه صحت آنان و اینکه در مورد کاریدی و فکری با هم است - به حدود 13 سال پیش مربوط است و ممکن است در مورد سالهای فعلی بقدر کافی صدق نکند. امروزه کمبود تولید نیز مانند استثمار شدید موجود در امر فقیرسازی توده های طبقه کارگر و افراد دیگر دارای درآمد بسیار پایین در جامعه ایران تأثیر گذار است.

تولید ناخالص داخلی در ایران در سال 2019 بر طبق (در واقع پیش بینی) صندوق بین المللی پول بالغ بر 627 هزار میلیارد تومان - یا 485 میلیارد دلار - برحسب قیمت های ثابت میباشد. دستمزد پایه حداقل رسمی یک کارگر را میتوان در این سال 15.17 میلیون تومان در سال محسوب نمود و کل باصطلاح مزایا و چیزهای دیگر متعلق به او را بطور متوسط میتوان یک سوم دستمزد پایه مزبور برآورد نمود که در اینصورت میانگین کل دستمزد رسمی حداقل یک کارگر در سال مزبور - فرضاً در صورتیکه در تمام مدت سال کار کند - حدوداً برابر با 20.2 میلیون تومان در سال 2019 میشود. صندوق بین المللی پول قیمت متوسط دلار را، چنانکه از ارقام فوق دیده میشود، حدود 1300 تومان در نظر گرفته است درحالیکه قیمت متوسط دلار در این سال در بازار آزاد بایستی 13000 تومان یعنی حدود 10 برابر بیشتر بوده باشد. و در نتیجه سرانه تولید ناخالص داخلی با این قیمت دلار نزدیک به 76 میلیون تومان میشود. از این رقم باید 12% بعنوان استهلاك وسایل اقتصادی (تولید و توزیع) کسر نمود که باقی میماند حدود 67 میلیون تومان بعنوان باصطلاح درآمد ملی سرانه.

از آنچه گفته شد من میتوانم بطور تقریب نرخ متوسط استثمار کارگران در ایران در سال 2019 را بشرح زیر محاسبه کنم: بعضی از کارگران سالیانه مزدی بیشتر از 20.2 میلیون تومان دریافت میکنند البته در صورتیکه تمام سال مشغول به کار باشند. ولی بسیاری از آنان کمتر یا حتی خیلی کمتر از مبلغ مزبور دستمزد

سرمایه داری هم اصلاً یا بقدر کافی وجود ندارد. وانگهی مبارزات کارگران برای مزد بیشتر و معیشت بهتر، برای داشتن تشکل و تشکل مستقل شدیداً توسط حکومت و نیروهای مختلف مسلح و باصطلاح امنیتی اش و دانشگاه های قوه قضائیه اش سرکوب میشود. بعلاوه، حکومت واقعاً اسلامی - بورژوازی خود بطرق و اشکال گوناگون موجب افزایش قیمت ها در جامعه میگردد مثلاً - چنانکه استنباط میشود - کالاهای محصول موسسات اقتصادی و تولیدی تحت کنترل و اختیار خویش را (از نقطه نظر ساز و کار اقتصادی کاپیتالیستی لیبرالیستی، مکانیسم تغییر قیمت ها در باصطلاح بازار آزاد) بعضاً بطور غیر اقتصادی و مصنوعی بالا می برد، تا اینکه کمک درآمد بیشتری بخصوص برای هزینه های ویژه فعالیتهای فوق ارتجاعی و ضدبشری خارجی و داخلی ویژه خودش - که احتمالاً هر کارگری و هرکسی تاحدودی درباره آنها شنیده است - بدست آورد. و این نیز بنوبه خود منجر به افزایش قیمت همه کالاها و کاهش قدرت خرید توده های کارگر و مردم میگردد.

لازم است بشرح زیر درباره مطالب فوق الذکر توضیحات بیشتری بدهم یا به بیان دیگر خطوط جزئی تر آنها را مورد بررسی قرار دهم:

در اینجا لازم بود که نرخ نسبتاً دقیق استثمار در ایران را در مورد چند سال اخیر برآورد نمود، اما با وجودی که من سعی زیادی کردم تا این کار را انجام دهم ولی موفق نشدم چونکه نتوانستم اطلاعات صحیح و کافی مورد نیاز برای این محاسبه را در اینترنت پیدا کنم. لیکن بطور کلی استثمار بسیار شدید کارگران و سایر زحمتکشان شاغل در حوزه های اقتصادی با حقوق اندک در ایران امری بدیهی است و میتوان گفت تقریباً هرکارگری آن را قبول دارد.

در مقاله ای با عنوان "میانگین نرخ استثمار در ایران" نوشته سهراب شباهنگ در سال 1386 نرخ متوسط استثمار در مورد " کاریدی و فکری" در ایران در این زمان در بخش های اقتصاد غیر نفتی 420% برآورد شده و

وضعیت اقتصادی فعلی طبقه کارگر در ایران...

میگیرند. من فکر میکنم که در بهترین حالت در کل میتوان مبلغ 20.2 میلیون تومان را بعنوان مبلغ متوسط مزد یا درآمد یک کارگر در سال 2019 دانست و با این فرض که او در تمام سال مشغول به کار بوده است. و بنابراین حداقل نرخ متوسط تقریبی استثمرار را - با در نظر گرفتن یک کارگر بعنوان نماینده کل طبقه کارگر و با خانواده ای 3 نفره- میتوان اینچنین برآورد نمود: (20.20 - 201) تقسیم بر 20.2 برابر است با حدود 900%. در صورتیکه میانگین دو نرخ دلار در ایران در سال 2019 را در نظر بگیریم، این رقم در واقع بطور تقریب حد اقل برابر است با 450%. احتمالاً این نرخ متوسط 450% به حقیقت نزدیکتر است. زیرا به گمان من قدرت خرید کارگران بیشتر با میانگینی از دو قیمت ذکر شده دلار مطابقت دارد و من این را میانگین معمولی فرضاً در نظر میگیرم. و بدین ترتیب سرانه تولید ناخالص داخلی در این سال را باید منطبق با متوسط دو نرخ دلار بطور تقریب 42 میلیون تومان در نظر گرفت که به واقعیت نزدیک تر است.

حال نرخ استثمرار را با توجه به تولید ناخالص داخلی ایران در سال حدود 2018- بنا بر گزارش اتاق بازرگانی تهران برای سال 2018- برابر با 2001 هزار میلیارد تومان (در واقع به قیمت جاری) بدون تکرار برخی توضیحات جانبی فوق الذکر برآورد میکنیم: طبق پیش بینی صندوق بین المللی پول این تولید در سال 2019 بمیزان 9.5 درصد کاهش میابد و بنابراین برابر خواهد بود با حدود 1811 هزار میلیارد تومان و سرانه آن 22 میلیون تومان که از آن 12% بابت استهلاک کاسته میشود و باقی میماند 19.40 میلیون تومان باصطلاح سرانه درآمد ملی در آن سال. بنابراین نرخ متوسط استثمرار کارگران در سال 2019 در ایران حداقل برابر است با 190%.

چنانچه مبلغ مندرج در گزارش اتاق بازرگانی به تومان برای سال 2019 را بر مبلغ صندوق بین المللی پول به دلار مذکور در فوق را تقسیم کنیم رقم حاصل بطور تقریب قیمت دلار محاسبه شده برای تولید ناخالص داخلی در گزارش مزبور برابر با 3732

تومان بدست میاید. این رقمی شاید تقریبی است ولی صحیح باید باشد. گفته شد که بنظر من قدرت خرید کارگران و تولید ناخالص داخلی با احتمال زیاد با متوسط معمولی دو قیمت دلار فوق الذکر یعنی 1300 و 13000 تومان مطابقت دارند. پس تولید داخلی سرانه 22 میلیون تومان را باید ضربدر 7150 و تقسیم بر 3732 کرد تا سرانه تولید ناخالص داخلی به قیمت واقعی بدست آید یعنی حدود 42 میلیون تومان که برابر است با همان 42 میلیون تومان محاسبه شده در مورد صندوق بین المللی پول در فوق. 12% بعنوان استهلاک از آن کم میشود که باقی میماند 37 میلیون تومان باصطلاح سرانه درآمد ملی و حداقل نرخ متوسط استثمرار کارگران در سال 2019 در ایران با احتمال زیاد بطور تقریب برابر است با 111 منهای 20.20 و حاصل تقسیم بر 20.20 یعنی 450%. این رقم میزان نهایی برآورد شده و قابل قبول در این بررسیها و محاسبات است که با آن محاسبات ذیل را ادامه میدهیم:

متوسط حداقل هزینه یا عبارات دیگر خط فقر برای یک خانواده چهار نفره در ایران در سال 2019 بدرستی توسط آقای حمید ترابی (و بسایت ایران کارگر) بیش از 96 میلیون تومان در این سال برآورد شده است. من در ابتدای این مقاله خانواده کارگری را در سطح جامعه بطور متوسط برابر با 3 نفر برآورد کردم. لذا خط فقر برای یک چنین خانواده میتوان گفت که عبارتست از 72 میلیون تومان در آن سال. دیده میشود که بطور متوسط فقط در صورتیکه نرخ استثمرار برابر با 54% باشد یعنی 72-111 تقسیم بر 72 که مساویست با 54% یعنی کارگر(فرضاً مشغول بکار در طول تمام سال) باید با این نرخ استثمرار شود، آنگاه او و خانواده اش زندگی زیر خط فقر نخواهند داشت. چنانچه این کارگر و خانواده اش بخواهند کمی بهتر یعنی کمی بالای زیر خط فقر زندگی کنند، در اینصورت دستمزد او مثلاً باید 110 میلیون تومان باشد و لذا نرخ بهره کشی باید صفر باشد یعنی استثمرار وجود نداشته باشد. از اینجا همچنین دیده میشود که بطور نسبی میزان تولید و سطح بارآوری کار(بغیر از حوزه اقتصادی تولید نفت خام که من آن را بمثابه حیطه ای ویژه با بارآوری بسیار بالای کار از کل قلمروی اقتصاد در ایران فرض کرده ام و نیز حوزه استخراج گاز هم که تا حد زیادی همانند

حوزه استخراج نفت است همینطور فرض میشود) در این جامعه مثلاً در سال 2019 بسیار پایین هست. بطور کلی و بلحاظ تاریخی درجه بهره کشی همچنین ممکن است با سطح تکامل بارآوری کار و سطح انباشت سرمایه بمثابه پایه مادی ایجاد رفاه منجمله برای طبقه کارگر در چارچوب جامعه بورژوازی بطور معکوس بستگی پیدا کند.

البته چنانچه خط فقر را کمتر از 96 میلیون تومان مزبور (8 میلیون تومان در ماه) در نظر بگیریم، چنانکه کسانی هستند که این را کمتر یا خیلی کمتر از 96 میلیون تومان میدانند، در اینصورت رابطه میزان فقر یا رفاه کارگران با میزان استثمرار آنان تا حدودی کمتر یا بیشتر با آنچه من در این رابطه برآورد کردم تفاوت مینماید. و بنظر من تنها نکته مورد بحث و قابل تأمل در بررسی های مربوطه من هم همین است. ولی بهرحال من لاقلاً فعلاً فکر میکنم که میزان واقعی خط فقر در شرایط ایران کنونی یعنی بطور دقیق تر در سال 2019 همان 96 میلیون تومان است.

بنابر یک گزارش صندوق بین المللی پول، تولید ناخالص داخلی ایران در سالهای 2018 و 2019 بترتیب 4.8% و 9.5% کاهش یافته است؛ و این کاهش بیشترین مقدار کاهش از زمان جنگ بین ایران و عراق در سالهای 1988-1980 است- که طی آن تولید مزبور مقدار زیادی کاهش پیدا کرد. و بر طبق دانشنامه ویکیپدیا: تولید ناخالص داخلی ایران بین سالهای 2014-2011، در نتیجه تحریم های غرب بویژه امپریالیسم آمریکا، بمیزان 28% یعنی از 576 به 415 میلیارد دلار تقلیل پیدا نموده است. این ارقام مربوط به این کاهش ها- که ممکن است اشتباهاتی هم داشته باشند- ولی بهرحال رویهمرفته مبین این واقعیت هستند که میزان تولید در ایران طی چند دهه اخیر لاقلاً رشد قابل توجهی نداشته یا بسیار کمتر از میزانی که میتوانسته رشد داشته است.

بطور کلی، تحریم های اقتصادی که علیه حکومت ایران اعمال میشوند موجب تقلیل وسایل تولید و تکامل آنها و بنابراین میزان خود تولید و نیز کالاهای مصرفی و در نتیجه افزایش قیمتها میگردد. کمبود سرمایه گذاری در اثر برخورد و مقررات نامساعد رژیم ایران درقبال سرمایه گذاران خارجی و نیز سرمایه داران خصوصی داخلی غیراسلامی(یعنی سرمایه داران خصوصی ای که در عین حال از خود

اعضاء حکومت اسلامی هستند و یا با اینها نزدیکی و پیوند بسیار نزدیکی دارند) و محدودیتهای حاصل از تحریم ها برای همه اینها و تداوم کسب و کار دومی ها بطور خلاصه منجر به تقلیل تولید و افزایش قیمتها و غیره در این جامعه میگردد. این ها هستند عوامل ویژه معین مربوط به کمبود انباشت سرمایه و بارآوری کار که بسهم خود قدرت خرید توده های وسیع طبقه کارگر و سایر گروههای اجتماعی دارای حقوق یا درآمد پایین را کاهش میدهند و لذا آنان را بیشتر و بیشتر فقیر و تهیدست میسازند. بگونه ایکه امروزه کل دستمزد دریافتی کارگران معمولاً 2 یا 3 یا حتی 4 برابر زیر خط فقر قرار دارد، چنانچه این دستمزد را برای هزینه یک خانواده 3 یا 4 نفره در نظرگیریم، و عموماً صرفنظر از اینکه چه مدتی آنان بیکار و لذا فاقد درآمد هستند (تنها درصد کوچکی از کارگران بیکار برای مدت زمان معین نسبتاً محدودی در عمل معمولاً حداکثر 6 ماه مقدار واضحاً کمی پول بعنوان بیمه بیکاری دریافت میکنند).

آنطور که من میدانم، در طول چند دهه گذشته همواره و میتوان گفت هر روزه تا میزان دو تا سه یا تعدادی بیشتر اعتراضات کارگری در جامعه ایران رخ داده است. اما این اعتراضات بطور پراکنده و جدا از یکدیگر انجام گرفته و میگیرد و حد اقل معمولاً فقط بخاطر سطح بیش از اندازه پایین مزدها، گرفتن دستمزدهای پرداخت نشده و به تعویق افتاده که حتی ممکن است برای ماههای متوالی متعددی پرداخت نشده باشند، نبود امنیت شغلی و اخراج کارگران و موارد مشابه اینها بدون مطالبات و اهداف سیاسی. این اعتراضات وقتیکه برای رژیم اسلامی مهم باشند توسط آن کنترل و سرکوب میشوند. مثلاً یک فعال کارگری ممکن است بخاطر باصطلاح یک "جرم" که مثلاً در آلمان هیچ مجازاتی ندارد به 5 یا 10 سال زندان محکوم شود. رژیم اسلامی اجازه نمیدهد و نمیگذارد که کارگران بطور مستقل مثلاً در سطح منطقه ای یا در سطح کشور متشکل شوند و "شوراهای اسلامی" بر کارگران در بیشتر واحدهای تولیدی تسلط دارند و غیره و غیره. کمونیستها عموماً پیوند فکری و تشکیلاتی واقعی با توده های کارگر ندارند و سطح آگاهی طبقاتی یعنی واقعاً کمونیستی توده های کارگر رویهمرفته بسیار پایین است و غیره.

در ایران سهم دولت (شامل شرکت ها و بانک های دولتی، سازمانها و امور اقتصادی متعلق به سپاه پاسداران و یا تحت کنترل "ولی فقیه" خامنه ای) بزرگتر از مجموع سهم بخش های خصوصی در کل اقتصاد ایران است (البته بسیاری از حاکمین در عین حال صاحب ثروتهای شخصی بسیار زیادی هم هستند). اینکه دقیقاً چقدر بزرگتر است، تا آنجا که من میدانم معلوم نیست. البته در حدود یکسال اخیر، که تولید نفت خام در اثر تحریم ها تا حدود 90% کاهش یافته است، سهم اقتصاد دولتی بطور نسبی تا حد زیادی تقلیل پیدا کرده است. بطور کلی میتوان گفت که کلیت اقتصاد بورژوایی و تا حدی خرده بورژوایی ایران در واقع قبل از همه و اساساً توسط سه نهاد دولتی مذکور کنترل و هدایت میشود. این سه نهاد حکومتی از طریق سیاستهای عمدی و غیر عمدی اقتصادی و مالی و پولی و ارزی اشان عامل بنیادی و اصلی افزایش دائمی و شدید قیمتها در جامعه را تشکیل میدهند. البته تأثیرگذاری تحریمها در اینچنین بالا رفتن قیمتها در اینجا بطور جداگانه در نظر گرفته شده است، اما این تحریمها نیز نتیجه سیاست خارجی شدیداً اسلامی حکومت بویژه در قبال قدرت های امپریالیستی است. و نقش سرمایه داران خصوصی غیر اسلامی و چیزهایی چون رشد نقدینگی در این زمینه (افزایش قیمتها) در مجموع خود عامل کاملاً فرعی بحساب میآیند. اما نرخ استئمار بطور میانگین در حوزه بخش خصوصی (بغیر از بخش دولتی تولید نفت خام و احتمالاً گاز) بزرگتر است، هرچند این هم بطور مستقیم یا غیرمستقیم از خط مشی های سیاسی و اقتصادی حکومت ناشی میشود. و نیز باید گفت که بخش عمده کارگران در حوزه اقتصاد خصوصی کار میکنند.

بالاخره، در ارتباط با طبقه کارگر، لازم است بحران موقتی فعلی کرونا را نیز مورد توجه قرار داد، بحرانی که تقریباً سراسر جهان را فراگرفته است: روشن بوده و هست و میتوان گفت که هرکسی میداند که در عصر کنونی حاکمیت سرمایه-مهار اپیدمی کرونا و از میان بردن آن بطور بسیار سریع امکان ناپذیر بوده و هست، ولی باید سعی نمود صدمات و تلفات آن را، که البته بطور نسبی بیشتر از همه بر مردمان فقیر و تهیدست وارد میاید، به حداقل رسانید. احتمال ابتلاء به این بیماری را بایستی تا حد اکثر ممکن کاهش داد. اقدامات موردنیاز برای انجام این کار متأسفانه

طبق معمول بطور ناگزیر باید توسط دولتهای بورژوایی حاکم رهبری و مدیریت شود، که البته قصورها و ناکارایی های آنان بایستی توسط کارگران و کمونیستها و دیگر کسان بطور همه جانبه و پیگیرانه موردانتقاد قرار گرفته و افشاء شوند. لیکن نیز واضح است که قرنطینه کردن تقریباً کلیه کارگران و سایر شاغلین در سطح کل جامعه و در عین حال تأمین وسایل معاش آنان توسط دولت برای چند یا چندین ماه متوالی شدنی نیست. زیرا چنین اقدامی بمعنای قطع گردش کل اقتصاد است که منبع تولید وسایل معیشت در شکل انواع درآمد برای گروههای مختلف مردم و برای دولت است و بنابراین از نقطه نظر طبقه کارگر نیز صحیح نیست. البته در قسمت معینی از جامعه عملی و امکان پذیر است و استقرار دولت هم در این ارتباط در حدود نسبتاً محدودی میتواند انجام گیرد بطوریکه ناشدنی بودن آن اقدام لااقل عمدتاً همچنان بقوت خود باقی میماند و غیره. بدیهی است که فقط با تقسیم کل یا قسمت های لازم معینی از اقتصاد جامعه به بخش های معین و شیفتی کارکردن و به حداقل ممکن رساندن فعالیت هر بخش معین و کار کارگران و سایر شاغلین آن بخش و متوقف کردن سودبری سرمایه داران و کارفرمایان بزرگ و متوسط و توزیع حتی الامکان هرچه بیشتر ثروت ثروتمندان بعنوان درآمد در میان توده های مردم و غیره همراه با رعایت دستورالعملهای عمومی مربوطه توسط همه افراد جامعه راه کلی تقلیل احتمال ابتلاء مردم به بیماری کرونا بوده و شاید هنوز هست. و مثلاً حکومت "جمهوری اسلامی ایران" تقریباً بهیچوجه چنین راهی را دنبال نکرده و اکنون هم نمیکند.

حمید پویا، 8 ژوئن 2020

این نوشته ترجمه مقاله ای با همین عنوان و بزبان انگلیسی است که من آن را در چندین روز منتهی به تاریخ فوق الذکر درباره اش تحقیق کرده و نوشته ام و در واقع برای کارگران و سایر کسانی که فارسی زبان نیستند. سپس خودم آن را به فارسی برگردانده ام و در ضمن این کار اصلاحات اندکی هم در آن وارد کرده ام. حمید پویا

**برای مبارزه سازمان یافته کارگران و زحمتکشان و برای
سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری سیستم
اقتصادی اجتماعی نوین مبتنی بر شوراها در یک جبهه انقلابی.
متحد شویم.**

کارگران و زحمتکشان :

جامعه ایران آستان حوادث و تحولات عمیقی است به همین دلیل رژیم برای احتراز از وقوع قیامهای توده ای. شمیررا از رو بسته است و سرکوب جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی را تشدید نموده است. وظیفه همه ما کارگران و عموم زحمتکشان است که در برابر تشدید سرکوبگری رژیم. متحداً در داخل و خارج کشور به مبارزه و مقاومت ادامه دهیم. نیروهای چپ انقلابی و جنبش های اجتماعی سوسیالیستی. آزادیخواه و مترقی میباشد در اتحاد باهم و با طرح خواست ها و مطالبات اقتصادی. اجتماعی و سیاسی توده های رنج دیده و استثمار شده. به امر آگاهی و سازمانیابی جنبش طبقه کارگر و سایر جنبش های اجتماعی مترقی و دموکراتیک یاری رسانند. بویژه وظیفه تعطیل ناپذیر کارگران سرتاسر ایران بویژه کارگران نیشکر هفت تپه است که در برابر احکام ظالمانه بیدادگاه جمهوری اسلامی به اعتراض برخیزند.

مقابله با نظام حاکم و دستگاه سرکوبگر آن. پایان دادن به پراکندگی مبارزات. و گرد آمدن گردانهای کار و زحمت در یک جبهه انقلابی بمنظور گسترش مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم و استقرار ساختار اقتصادی و اجتماعی نوین مبتنی بر شوراها راه امری فوری و ضروری تبدیل کرده است. امروزه خواست ها و مطالبات اقتصادی و رفاهی طبقه کارگر و توده های رنج دیده و زحمتکش مردم با مطالبات آزادیخواهانه و دموکراتیک درهم آمیخته است و شرکت گسترده و متحد در اعتراضات. اعتصابات. و تظاهرات و سایر اشکال مبارزه بر علیه ستم و استثمار و سرکوب و نیز آزادی کارگران زندانی و سایر زندانیان سیاسی یک وظیفه تعطیل ناپذیر هر انسان آزادیخواه و انقلابی محسوب میگردد.

**نشریه سیاسی و تحلیلی
کارکمونستی علاوه بر انعکاس
مواضع. نظرات و تحلیل های
سازمان. انعکاس دهنده مسائل
سیاسی. اجتماعی. اقتصادی و
فرهنگی و تاریخی از منظر
دیدگاه های مختلف نیز هست.
تحریریه نشریه از میان مطالب
رسیده انتشار مطالبی را انتخاب و
در انوبت قرار خواهد داد که
مستقیماً برای این نشریه ارسال
شده باشند لذا انتظار داریم
انعکاس این مطالب در سایر
نشریات و سایت ها با ذکر منبع و
نام نویسنده صورت گیرد. از
طریق ایمیل آدرس زیر
نظرات. پیشنهادات و انتقادات
خود را با در میان بگذارید.**

kar@fedayi.org

**کار کمونستی آخر هر ماه زیر نظر
هیئت سیاسی سازمان اتحاد فداییان
کمونست منتشر می شود.
برای تماس با سازمان اتحاد فداییان
کمونست و یا ارگانهای آن با یکی از
آدرسهای زیر تماس بگیرید :**

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azar@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karj@fedayi.org



زنده باد سوسیالیسم

گرامی باد یاد و خاطره ی
شهادت هشت تیر، رفیق کبیر
حمید اشرف و همزمانش.



« به گفتار افراد میبایست به
میزان اعتبار گردارشان، بها
داد.»

رفیق حمید اشرف

کمیته تبلیغات و انتشارات فداییان کمونست
<https://fedayi.org/>
تیر ماه ۹۹

کار مسکن آزادی

«حمید اشرف اراده پولادین فدایی کمونست " برنامه ای از صدای فدایی
بمناسبت سالگرد شهادت رفیق حمید اشرف. این برنامه را در سایت های
سازمان و همچنین کانال تلگرامی سازمان میتوانید دریافت کنید.

<https://fedayi.org/Audio/s.f/hamid.ashraf1.mp3>

کار . مسکن . آزادی . جمهوری فدراتیو شورانی !